

## آموزش، تنبیه، تشویق

محیط ایده آل محیطی است که در آن، طفل در دبستان از امکانات آموزشی بسیار عالی برخوردار است و در منزل هم گذشته از کمک والدین با سواد، از انواع و اقسام سرگرمی‌های آموزنده برخوردار است.

منظور ما محیطی است که در آن طفل معصوم بعد از صرف ۴ یا ۵ ساعت از بهترین ساعات عمر خود در مدرسه، ساعات بیکاری را با بازی فوتبال در کوچه‌ها و درگیری با پسر همسایه پر می‌کند. روشهای آموزشی که در گذشته با تنبیه بدنی همراه بود، کاملاً نکوهیده و در خور ملامت است.

در بعضی مدارس دانش آموزان می‌بایست کتکهای روز جمعه را پنجشنبه نوش جان می‌کردند و یا سیاه کردن انگشتان به وسیله مداد که در اکثر مواقع توانایی انجام تکالیف را از دانش آموزان به کلی سلب می‌کرد. در این دوره متأسفانه، بعضی از مواقع دانش آموزان با مساله کتک کاری نوعی زندگی مسالمت آمیز را در پیش می‌گرفتند؛ به این صورت که تنبیه شدن از بخشهای لاینفک آموزشگاهی آنان شده بود هدف این گونه تنبیهات جز خشونت و رفع عقده نبوده است.

این اعمال کاملاً غیرانسانی و با اصول انسانی سازگار نیستند و نخواهند بود. بتدریج با گذشت زمان، از شدت این گونه تنبیهات کاسته و تهدید جایگزین آن شد. تهدیدی جدی و البته گاهی موارد، در قالب تشویق! همان سیاست تنبیه و تشویق یا چماق و شیرینی.

در این نوع از محیطهای آموزشی که چند سالی به طول انجامید دانش آموز می‌دانست که تنها با ارائه درست درس می‌تواند از زیر ضربات طاقت فرسای اولیای آموزشگاه جان سالم به در برده و تشویقهای آنان یا اولیای خانه و حتی دوست و آشنا را به قیمت صرف وقت گرانبهایش

با خواندن اجباری چند کتاب با جملات قلبه سلنه ، متوجه خود سازد .در چنین محیطهایی، از یکسو از بیم تنبیه ها و از سوی دیگر در مواجهه با تشویق های کذایی، عمر دانش آموز تلف می شد طی این دوره ، دانش آموز لحظه ای درس را برای درس نخواندند .هدفشان از درس خواندن یا اصولا فرار از تنبیه بود ، یا وصال به تشویق ! نتیجه این که میل باطنی نقشی نداشت .

امکانات آموزشی برای دانش آموزان محرکی مثبت است ، اگر این عنصر نباشد، رکود خودنمایی می کند و در نتیجه استعدادها از بین می روند .باید به نحوی محرکی را به وجود آورد تا این استعدادها پژمرده نشوند .امروزه عنصر تشویق ، به تنهایی نقش بازی می کند و با کمی دقت می توان دریافت که چقدر نتیجه این بازی مایه تاسف است ؛ چرا که هدف دانش آموز، کسب تشویق خواهد شد نه کسب دانش .جالب این که، خارج از چارچوب درس و مدرسه ، مطالعه کتب ساده و یا مشکل ، همراه با لذتی وصف نشدنی است چون نه تشویقی در کار است و نه تنبیه .

میل باطنی فعال شده و نقشش را بخوبی ایفاء می کند اما این زمان برای خیلی ها زیاد به طول نمی انجامد؛ چرا که وحشت از آینده که خود معلول عواملی از جمله بیکاری ، فقر مادی ، نابسامانی های اقتصادی ، اجتماعی است ، مسیر مطالعه را تغییر می دهد .قصور در امر مطالعه ویران کننده سعادت آینده است درس را باید در آرامش فکری خواند .هیچ یک از موارد به تنهایی موثر نخواهند بود ، اگر امکانات آموزشی کافی در دسترس نباشد .

### تشویق

تشویق در جلسه مشاوره، مجموعه فعالیت هایی است که مراجع را به ادامه کارش ترغیب می کند و او را در مسیر پیشرفت و بهبود قرار می دهد .تشویق نوعی پاداش است که برای تقویت رفتار مطلوب و ادامه آن به مراجع ارائه می شود .به عنوان مثال، مشاور با گفتن جملاتی نظیر مرد

توانائی هستی، می توانی معقول باشی، و می توانی این مشکل را حل کنی مراجع را به خود کاوی بیشتر تشویق می کند و باعث می شود که او عقاید و افکار خویش را دقیق تر، عمیق تر مورد بررسی قرار دهد. از جانب دیگر، تشویق بیش از حد موجب می گردد که مراجع به مشاور وابستگی پیدا کند و استقلال خود را از دست بدهد. هم چنین تشویق صحیح و مناسب از نگرانی و ناامنی مراجع می کاهد.

### روش های تشویق

به نظر برامر و شوستروم (۱۹۶۸) در جلسه مشاوره کاربرد روش های تشویق را می توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. استفاده از کلمات تأییدکننده نظیر بلی درست است، توانائی انجام آنرا داری. در اینجا هدف آن است که با استفاده از کلمات تأییدکننده، در مراجع احساس امنیت و اعتماد نسبت به مشاور و جلسه مشاوره به وجود آید.

۲. پیش بینی نتایج احتمالی مشاوره، روش دیگری برای تشویق مراجع است. مشاور در جلسه مشاوره، درباره نتایج احتمالی و تغییراتی که در مراجع به وجود خواهد آمد با او به صحبت می نشیند. به عنوان مثال، مشاور به مراجع می گوید که بر اثر مشاوره، رفتارش در جهت مقبول و مناسبی تغییر خواهد کرد، و یا آنکه در زمینه تحصیلات به موفقیت های دست خواهد یافت، و یا نمرات بهتری در ریاضی و فیزیک خواهد گرفت.

۳. ایجاد شرایط و امکانات مناسب در جلسه مشاوره، برای مراجع تشویق کننده است به عنوان نمونه، برقراری رابطه حسنه مشاوره ای و پذیرش مراجع، شوق و رغبتی در او برای ادامه بحث به وجود می آورد.

۴. آشنا ساختن مراجع به این حقیقت که مشکلش منحصر به فرد نیست و دیگران نیز کم و بیش با مشکلاتی همانند او مشکل او مواجه هستند، می تواند تشویق کننده باشد.

### تشویق رفتارهای خوب

نگرانی درباره تأثیرات احتمالی تلویزیون، از دیرزمان، بر توجهاتی که به دیگر عرصه های مربوط به تماشای تلویزیون، در کودکان می شده، اولویت داشته است. چه مدت است که مفهوم جعبه گوشه خانه به مثابه هیولایی یک چشم موجه شمرده می شود؟ این مکان که رفتارهای بد به نمایش درآمده در تلویزیون، می تواند الگوهایی در اختیار بینندگان جوان مستعد بگذارد تا از آن کپی برداری کنند را نمی توان ساده گرفت. اما این فرضیه - که عموماً غالب به نظر - مبنی بر اینکه آشکارا ثابت شده است که تلویزیون تأثیر بدی دارد، ساده سازی بیش از حد هر دو، یعنی هم آنچه جعبه به منازل می آورد، و هم نحوه برخورد کودکان با آن، است.

برنامه های تلویزیون شامل نمونه های بسیاری از رفتارهای خوب است. برنامه هایی که در آن مردم با مهربانی، جوانمردی و سخاوت رفتار می کنند. به همان اندازه، منطقی به نظر می رسد که فرض کنیم این تصویر نیز نمونه هایی در اختیار کودکان قرار می دهند تا از آن کپی برداری کنند. بنابراین، در این فصل این پرسش را مطرح خواهیم کرد که آیا تلویزیون رفتارهای خوب را در میان کودکان ترویج می کند؟ اگرچه کاری در این زمینه صورت گرفته است به وسعت کار انجام شده در زمینه تأثیر خشونت تلویزیون بر کودکان نیست، اما تحقیقات مهمی وجود دارد که روش های مختلفی را نشان می دهد که تلویزیون می تواند یا باید، در شرایط خاص، تأثیرات بسیار مفید و مطلوبی بر کودکان بگذارد.

## آموزش رفتار خوب

مدارک روزافزون بسیاری نشان می‌دهد که نمونه رفتاری خوبی که در تلویزیون به نمایش در می‌آید، می‌تواند کودکان را تشویق کند تا رفتار بهتری در پیش گیرند. پژوهش نشان داده است که بینندگان جوان می‌توانند یاد بگیرند که چگونه به شیوه مطلوب‌تر یا پذیرفته شده‌تر اجتماعی رفتار کنند. آنها این رفتارها را نه تنها از طریق تماشای برنامه‌های مخصوص آموزشی کسب می‌کنند، بلکه با تماشای نمونه برنامه‌هایی که در آن رفتار خوب به تصویر کشیده و برای مخاطبان عمومی تهیه می‌شوند، نیز به دست می‌آورند. مدارک موجود برای تأثیرات جامعه‌گرایانه تلویزیون را می‌توان به چهار نوع دسته‌بندی کرد:

- مطالعات آزمایشگاهی انجام شده بر روی برنامه‌های از پیش آماده شده تلویزیون یا موضوعات

فیلم .

- مطالعات آزمایشگاهی بر روی موضوعات برنامه‌هایی که به منظور آموزش مهارت‌های اجتماعی

تهیه شده‌اند .

- مطالعات آزمایشگاهی بر روی موضوع برنامه‌های انتخاب شده از میان مجموعه برنامه‌های

مردمی تلویزیون .

- مطالعات میدانی که میزان تماشای برنامه‌های دارای محتوای جامعه‌گرایانه را با میزان تمایلات

رفتاری جامعه‌گرایانه مرتبط می‌سازد .

پژوهشگران با استفاده از این روش‌های مختلف، درباره قابلیت تلویزیون برای تأثیر بر کودکان

در جهت نشان دادن سخاوت و ابراز نکردن خودخواهی، نشان داد رفتار دوستانه و اندیشیدن به

خرسندی نهایی و نه طلب سریع پاداش برای انجام هر کاری تحقیق کرده‌اند .

## تلویزیون و داوری های اخلاقی

بیشتر تحقیقات انجام شده بر روی تأثیرات بالقوه خوب تلویزیون، بر انواع مختلف رفتارهای اجتماعی مرتبط با شخصیت متمرکز هیچ گونه تأثیر مستقیمی بر قضاوت و استدلال اخلاقی بینندگان دارد؟ انتقادهای اولیه به طور اخص، نگران دیدگاه های اخلاقی و معنوی بود که از طریق تلویزیون آموزش داده می شد. دیدگاه منتقدان این بود که این رسانه تأثیر مخربی القا می کند. نگرش برخی از منتقدان این است که تلویزیون اغلب نشان می دهد که اعمال غیر مشروع یا غیر اخلاقی مؤثر واقع می شوند. حتی مجریان قانون در تلویزیون به گونه ای نشان داده می شوند که قواعد را نادیده می گیرند، کدهای اخلاقی را زیر پا می گذارند و به شکل پرسش برانگیزی اغماض و افراط می کنند، پیام نهفته در این محتوا این است که بد بودن، اغلب بهتر از خوب بودن مؤثر واقع می شود.

برعکس، مدافعان برنامه های تلویزیونی استدلال کرده اند که تأثیر تلویزیون بر نگرش اخلاقی جوان ترین بینندگان، در درجه نخست، تأثیری مثبت است. برنامه های تلویزیون به طور مرتب، مسئله ای اخلاقی را به شکل جذابی مطرح می کنند که توجه مخاطبان را به خود، جلب و جذب می کند. مردم با مجموعه ای از مسائل و بحران های اخلاقی مواجه می شوند که در نمایش ها مطرح یا در برنامه های سرگرم کننده بازی می شوند، و نیز در برنامه های مستند و آموزشی نشان داده می شوند. نمایش های سریالی، شخصیت ها را به گونه ای نشان می دهد که آن قدر طولانی با مشکلات اخلاقی دست و پنجه نرم می کنند، که مخاطب را بر آن می دارند تا با رخدادها و موقعیت ها آشنا شوند. برنامه ها گفت و گوی تلویزیونی، اعضای عادی جامعه را به تصویر می کشد که سفره دل خود را جلو میلیون ها بیننده می گشایند، و اغلب بر ژرف ترین نبه های زندگی خصوصی خود متمرکز می کنند. تلویزیون از طریق این نوع تجربیات می تواند به مثابه نوعی معلم اخلاق یا



مشاوی ایفای نقش کند، و بینندگان را، از پیر و جوان، تشویق کند که مشکلات مهم اخلاقی را منعکس سازند. با این وجود تا این زمان تحقیقات کمی چه در رد و چه در اثبات هر نوع تأثیر تلویزیون بر ارزش‌ها و استدلال اخلاقی کودکان صورت گرفته است.

تحقیقات دربارهٔ پرورش داوری‌های اخلاقی با کار گلبک (Kohlberg) تحت کنترل درآمده است. در این چارچوب، تصور می‌شود که استدلال اخلاقی در کودکان، طی مجموعه‌ای از مراحل پرورش می‌یابد، و هر مرحله موفقیت‌آمیز، نشانگر سطح موفقیت‌آمیزتری از درک نظم اخلاقی دنیایی اجتماعی است. در این مسیر، کودک در هر مرحله، مرتبه‌ای از جنبه‌های اخلاقی را در ارتباط با ایجاد تمایز بین خوب و بد می‌آموزد. در چنین نظامی، یک نتیجه مقدماتی این است که اگر عملی مجازات نشود، در آن صورت طبق تعریف می‌بایست از نظر اخلاقی پذیرفته شده باشد و بنابراین از نظر معنوی درست باشد. یک پرسش کلیدی این است که آیا تلویزیون به این شیوه استدلال می‌کند؟

تلاش برای یافتن این پرسش شامل مطالعه‌ای است که روی پسرها و دخترهای ۴-۵ ساله، ۷-۸ ساله و ۱۰-۱۱ ساله انجام شده است. نخست از این کودکان مصاحبه‌ای به عمل آمد تا قابلیت‌های استدلال اخلاقی آنها بیشتر شناسایی شود. به‌علاوه، مادر هر یک از کودکان با ثبت خاطرات روزانه مربوط به تماشای تلویزیون کودکان به مدت دو هفته، و نیز تهیه اطلاعات وسیعی دربارهٔ عادات خانوادگی تماشای تلویزیون در زمان گذشته، پژوهشگران را یاری کردند. پژوهشگران سپس از فنون آماری استفاده کردند تا روابط موجود بین گزارش به‌دست آمده از اظهارات بینندگان مبنی بر عادات تماشا در کودکان و خانواده‌هایشان و نیز نگرش و ارزش‌های اخلاقی کودک را بیازمایند.

در میان کودکان کم سن و سال تر، تماشای مستمر تر تلویزیون، بالنسبه با استدلال اخلاقی به دست آمده بود، همبستگی داشت. این نتیجه در مورد دو گروه سنی بزرگ تر به دست نیامد. در میان کودکان ۴-۵ سال، کل میزان تماشای تلویزیون با ماهیت ارزش های اخلاقی مرتبط بود و نه ترجیحات کودک برای تماشای انواع خاصی از برنامه ها. بنابراین، هیچ گونه نمودگاری وجود نداشت که نشان دهد تمایل برای تماشای انواع خاصی از برنامه ها. بنابراین، هیچ گونه نمودگاری وجود نداشت که نشان دهد تمایل برای تماشای نوع خاصی از برنامه این احتمال را به وجود آورد که پرورش اخلاقی کودکان را ضایع سازد. اگرچه، در میان کودکان ۷ تا ۸ سال، آنهایی که تماشای کم دی های خانوادگی را ترجیح می دادند، درک پرورش یافته تری نسبت به اهمیت کمک به مردم نیازمند، داشتند. این یافته جالب بود، به آن دلیل که موضوعات بسیاری از این نمایش ها را منعکس می کرد. یافته ای که در ارتباط با تشویق کم این ارزش ها و نگرش ها به وسیله تلویزیون بیان شده، گزارشی است که این نوع درک را در میان بالاترین گروه سنی کودکان نسبتاً ضعیف یافت؛ لازم به ذکر است که این کودکان، علاقه خاصی به نمایش های پر جنب و جوش و ماجراجویانه ای داشتند که مخاطب اصلی آنها بزرگسالان بودند. کمبود تحقیقات انجام شده درباره تلویزیون و استدلال اخلاقی بدان معنی است که درک ما از ماهیت و اهمیت هر نوع نقشی که این رسانه در آموزش کودکان در جهت تشخیص درست از نادرست ایفا می کند، ناقص و ناهمگون باقی می ماند.

### تشویق غیر مادی

همچنین از نکات مهم در تشویق این است که بکوشیم تا حدود امکان تشویق ها کمتر صورت مادی پیدا کند. تکیه اساسی روی جنبه های غیرمادی باشد. این امر بدان خاطر است که اگر بنا شود ما برای هر کار خوبی از کودک سرمایه گذاری مادی کنیم :



۱. پول و ثروت ما قد نمی‌دهد از آن بابت که برای مؤثر واقع شدن تشویق ناگزیریم در هر مرحله تشویق مادی خود بیش از دفعات قبلی باشد. مثلاً اگر دفعه اول معادل ۲۰ ریال سرمایه گذاری کنیم دفعات بعد باید بترتیب ۲۵-۳۰-۴۰ و ... ریال باشد. و گرنه تشویق ما از نوع تکرار مکرر خواهد بود که اثرش را از دست می‌دهد.

۲. کودک تدریجاً فردی مادی مسلک و مال دوست و در آن افراطی بعمل می‌آید و در برابر هر کاری که انجام می‌دهد انتظار مادی خواهد داشت در حالیکه ما در حال و آینده نیاز داریم به افرادی که در مواردی لازم برای حفظ و سلامت حیات اجتماعی از جان و مال خود سرمایه گذاری کرده، توقعی هم از کسی نداشته باشند.

۳. در سایه چنین تشویقی عادت غلطی در کودک پدید می‌آید که بعدها قابل تداوم و ادامه نیست. زیرا او دیر یا زود وارد اجتماع می‌شود و همان توقعات را از اجتماع دارد و طبیعی است که اجتماع آن را پرآورده نکند. و این خود مایه ترک وظیفه بخاطر یأس و سرخوردگی است. می‌دانیم که اجتماع حتی در تشویق کلامی مفت و بی‌مایه سهل‌انگار است تا چه رسد به آن چیزهایی که بار مالی به همراه دارد.

### تشویق کودکان خجالتی

کودکان خجالتی خود را به برخوردهای اجتماعی و همزیستی با دیگران تشویق نمایید. برای اینکار راههای زیادی وجود دارد، به عنوان مثال، اگر کودک خجالتی در هنگام سلام یا خداحافظی، نخواهد به شخص چیزی بگوید، سعی کنید او را وادار به دست دادن برای سلام یا خداحافظی نمایید.

دست دادن قدمی است در مسیر درست. راه دیگر این است که با کودک دیگری وارد یک بحث هیجان انگیز بشوید و هنگامی که بحث داغ شد، از کودکان سؤال کنید که نظر وی در

مورد موضوع مورد بحث چیست و البته مراقب باشید که وی را زیاد تحت فشار قرار ندهید زیرا ممکن است مقاومت بیشتری ایجاد کند. به یاد داشته باشید که کودک در بعضی روزها بهبودی نشان خواهد داد و بعضی روزها خیر.

برای کودکان خجالتی یک هدف معقول و دشوار این است که هر روز حداقل یک کلمه به یک فرد جدید بگوید. سایر موارد مناسب، می تواند صحبت کردن در مقابل همه افراد کلاس، شرکت کردن در بازی های تیمی یا پرسیدن یک سؤال از معلم باشد.

### صورت های عملی تشویق

مسأله تشویق کودک را چگونه به مرحله اجرا و عمل در آوریم؟ چه کنیم که کودک در درون خود احساس شوقی کند و در باطن خویش خشنود باشد که فلان عمل را انجام داده است؟ راه

های شادمان کردن کودک بخاطر عمل مورد نظر ما کدامند؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
--------------------------	--------------------------

## ذکر کلمات محبت آمیز

غرض ذکر عبارات و کلماتی است که جنبه مهر و علاقمندی فرد و هم دیدگاه احترامی مربی را به کودک نشان دهد. طفل بر اثر آن دریابد که عملش مورد رضای والدین یا مربی بوده و آنها او را بر این اساس بیش از پیش مورد محبت قرار داده‌اند.

کلماتی مثل عزیز من، پسر جان من، آقا، خانم، شاگرد خوب، الفاظی چون بفرماید، تشریف بیاورید، آفرین بر تو پسر، دختر من، و ... می‌تواند حاکی از این محبت باشد و البته سعی داریم که این کلمات سرسری و تصنعی نباشد که طفل از آن سر در می‌آورد.

## معرفی عمل آن در حضور جمع

در خانه یا مدرسه، نزد خواهر و برادر و یا نزد دانش‌آموزان کلاس سعی داری فردی را که عمل خوبی انجام داده معرفی کنیم و عمل او را مورد ستایش قرار دهیم. این روش برای همه دانش‌آموزان در همه سنین و مخصوصاً برای نوجوانان و بالغان بسیار مؤثر است.

شک نیست که برای دیگران باید توضیح داد که چرا عمل او مورد تقدیر است. البته جمع کلاس را و ما می‌داریم که به افتخار عملکرد خویش ابراز شادمانی کنند، صلواتی بفرستند، تکبیری بگویند و بالاخره علاقه و رضامندی خود را اعلام دارند.

## معرفی و ارائه آثار

ممکن است طفلی عمل پسندیده‌ای چون نوشتن مشق با خط زیبا را انجام داده، نقاشی زیبایی کرده، وسیله خوب و زیبایی ساخته، هنری را در خطاطی به کار برده و ... از راه‌های تشویق او آن است که آن را مورد تأیید قرار داده و به بچه‌ها عرضه کنیم.

ممکن است طفلی عمل پسندیده‌ای چون نوشتن مشق با خط زیبا را انجام داده، نقاشی زیبایی کرده، وسیله خوب و زیبایی ساخته، هنری را در خطاطی به کار برده و ... از راه‌های تشویق او آن است که آن را مورد تأیید قرار داده و به بچه‌ها عرضه کنیم .

### نصب عکس او

گاهی می‌توان عکس او را به تنهایی در تابلوی مدرسه نصب کرده و یا آن در کنار خط زیبایش و یا نقاشی قشنگش قرار داد . و یا در سطحی وسیع‌تر و بهتر عمل کرد، بدینگونه که عکس او را با زرق و برق تزئین کرده و در تابلو نصب کنند . این اقدام نیز برای همه کودکان و مخصوصاً نوجوانان روش سازنده و مؤثری است . کودک را به این نتیجه می‌رساند که برای کار و فعالیت او حسابی باز کرده‌ایم و برا عملش اعتباری قائلیم . طبیعی است که در چنان صورتی پای‌بند ملاحظاتی گردد و برای خود ارزش و اعتبار بیشتری از لحاظ حسن عمل قائل شود .

### دادن جایزه

در مواردی می‌توان برای کودک جایزه و پاداشی در نظر گرفت که به تناسب سن، جنس و دیگر شرایط در اختیارش قرار گیرد . بهای جایزه مهم نیست، مهم نفس جایزه است و نشان این امر که از این راه می‌خواهیم رضایت خود را نسبت به او اعلام کنیم .

جایزه گاهی می‌تواند یک مداد باشد، زمانی یک توپ پینگ‌پونگ، زمانی یک گل‌سر یا گل یقه، گاهی یک شیرینی و شکلات و ... در همه حال برای کودک این مسأله مهم است که از شما چیزی را بعنوان جایزه دریافت می‌دارد .

## نزدیک کردن به خود

گاهی تشویق می‌تواند بصورت نزدیک کردن کودک بخود باشد. بدین معنی که بخاطر عملکرد خویش او را مقرب کنیم، مورد توجه بیشتری قرار دهیم، خواسته‌های او را بیشتر مورد رسیدگی قرار دهیم و بالاخره به او بفهمانیم که تا حالا او را دوست داشته‌ایم ولی اینک او را بیشتر دوست داریم.

معلم نمی‌تواند او را بدینگونه به خود نزدیک کند که مثلاً اجازه‌اش دهد ناهار را در مدرسه و در دفتر در نزد او صرف کنند. به او دست دهد از او احوال پرسد، برای او احترامی بیشتر قائل گردد، یادآوریش کند که دوستش دارد و ...

## سپردن مسؤولیت

گاهی در مدرسه معلم و مربی در خانه والدین برای تشویق کودک می‌توانند مسؤولیت مورد علاقه‌ای را به او بسپارند، به او تفهیم کنند که بخاطر احترام به او، دیدن عرضه و لیاقت او، حاضر شده‌اند چنان مسؤولیتی را به او واگذار کنند.

در اعطای این مسؤولیت سعی داریم راه‌های ادای آن را هم به او یاد دهیم تا در سایه انجامش احساس لیاقت و شادمانی کند و یا درک کند که او را بحساب آورده‌اند، برای او شخصیتی قائل شده‌اند، او را داخل در جمع و گروه خود کرده‌اند.

## ذکر قصه و داستان

بعنوان تشویق کودکان خردسال می‌توانند به آنها وعده داد که قصه و داستانی برای او بگویند. می‌دانیم که کودکان و حتی بزرگتران قصه‌گویی والدین و مربیان را دوست می‌دارند و حاضرند بسیاری از کارهای خود را رها کنند تا قصه‌ای بشنوند.

شک نیست که به تناسب سن و جنس، و با در نظر داشتن شرایط گوناگون و لازم سعی داریم داستان‌های سرگرم‌کننده، اخلاقی و ارزنده‌ای برای کودکان بگوئیم و از این طریق نیز به امر سازندگی و اصلاح کودکان پردازیم .

### دادن گواهی

در مواردی مدرسه می‌تواند گواهینامه‌ای به کودک بدهد که در آن حکایت از رضایت از کودک باشد . البته سعی داریم که این سند به صورت امری نباشد که مورد سوءاستفاده قرار گیرد . در آن قید می‌کنیم که تا امروز و این ساعت او کودک فعال، باادب و اخلاق و ... بوده است . در این مورد نیز از قبل سخنانی را عرضه کرده‌ایم . در کل می‌خواهیم بگوئیم رضایت‌نامه مطلق نباشد .

### شیوه‌های دیگر

- شیوه‌های دیگری هم برای تشویق کودکان وجود دارد که هر مربی به تناسبی می‌تواند یکی از آنها را انتخاب کرده و مورد عمل قرار دهد مثل :
- لبخند رضایت‌آمیزی که والدین و مربیان به روی کودک می‌زنند .
- بردن کودک به گردش و تفریح و مسافرت بخاطر نقش خوبی را که در زمینه‌ای ایفا کرده .
- دادن عکس او به روزنامه مدرسه و یا روزنامه‌های صبح و عصر یک شهر تا از دیدن آن احساس غرور کند .
- دادن فرصت اظهارنظر به او از طریق وارد کردن او در شورائی که در مدرسه است .
- وارد کردن او در صف بزرگترها بعنوان احترام به او و بحساب آوردنش ...
- کشیدن دست نوازش به سر و صورت او و یا بوسیدن و در آغوش گرفتنش .
- بازی کردن مربی و معلم با کودک و بحساب آوردن او و ...



و در کل استفاده از هر راه و ضابطه مشروعی که کودک را بحرکت اندازد و به پیش برد ما در این راه از ابتدائی ترین و ساده ترین راه می توانیم استفاده کنیم تا پیچیده ترین و دشوارترین آن، هرکدام در جای خود و به تناسب شرایط خاص .

### تنبيه

همیشه دقت داشته باشید که تنبيه فرزندتان با کار خلافی که او انجام داده همخوانی داشته باشد و از نظر او عادلانه باشد. شما فرزندتان خویش را برای ورود به اجتماع و ایجاد یک زندگی مستقل آماده می کنید و بنابراین تنبيه نیز باید نتیجه کار خلاف باشد. این روش هر نوع رنجشی را نیز در بچه ها از بین می برد زیرا تنبيه نتیجه کار خلاف آنها بوده است. البته به خاطر داشته باشید که هیچگاه از تنبيه بدنی استفاده نکنید .

### فوائد تنبيه

تنبيه به همه صور و اشکالش در تربیت می تواند جاری باشد و البته فوایدی دارد که ذکر همه آنها در این بررسی ممکن نیست .

### اصلاح رفتار

تنبيه این فایده را بهمراه دارد که کودک را سر عقل می آورد و او در می یابد که عمل خطائی را مرتکب شده و از تکرار آن باید خودداری کند. این امر برای کودکان خردسال حتی به صورت شرطی شدن می تواند مطرح باشد .

طفلی که بخاطر خطائی، حتی بدون آگاهی داشتن به خطای عملی تنبيه می شود، براساس اصل شرطی شدن که توسط پاولوف عرضه شده است رابطه ای بین عمل و کیفر می یابد. می فهمد هرباری که عمل ناروایی را انجام دهد باید زجر و رنج آن را تحمل نماید و به این نتیجه می رسد که سودش در ترک آن عمل است .

## یافتن راه صواب

گاهی تنبیه می‌تواند وسیله‌ای باشد برای یافتن راه صواب. بدینگونه که کودکی عملی را انجام می‌دهد، راهی را طی می‌کند، شیوه‌ای را مورد عمل قرار می‌دهد و بدان خاطر تنبیه می‌شود. خودبخود به این نتیجه می‌رسد که آن راه قابل ادامه و تکرار نیست و برای مصون ماندن از تنبیه ناگزیر باید شیوه دیگری، و یا راه ضدی را در پیش گیرد.

## اثر بخشی فوری

از فواید تنبیه اثر فوری آن بر روی فرد است. کودکی را در نظر آورید که در خانه یا مدرسه شرارت می‌کند، مزاحم دیگران است، سروصدا به راه انداخته و برای دیگران صدمه آفریده است با لجبازی‌های خود در خانه آتش‌افروز کرده و برای دیگران رنج می‌آفریند.

شاید شور و آشوبی که او به پا کرده اجازه نمی‌دهد که کودک بخود آید و دست از عمل ناروایش بردارد. در چنین صورتی یک سیلی یا یک ضربه می‌تواند محیطی را ساکت و آرام کند. جلوی آشوب و آتش‌افروزی‌های او را بگیرد. و مجالی برای مربی پدید آورد که بتواند اوضاع را سروسامان دهد و یا حرف خود را بزند. (البته باید دید آیا چنین شیوه‌ای درست و بمورد است یا نه).

## تضعیف رفتار

تنبیه در مواردی می‌تواند نقش ضعیف کننده‌ای را برای رفتار کودک ایفا کند. چه بسیارند تمنیاتی که در افراد وجود دارند و ترس از تنبیه و مجازات نمی‌گذارد که کودک آن عمل را انجام دهد و یا چنین ترسی سبب می‌شود که او آن خواسته را به عقب اندازد و یا در اجرای آن کمی سست و سهل‌تر عمل کند.

رعایت این امر سبب می‌شود که کودک تدریجاً نسبت به آن رفتار بی‌اعتنا شده و آن چنان نباشد که خواسته دل را آزادانه و بی‌پروا برآورده سازد. براین اساس تنبیه گاهی می‌تواند رفتار را تعدیل کرده و زمانی حتی ریشه رفتار ناروایی را در درون بخشکاند.

### ایجاد بیداری

تنبیه گاهی آدمی را بخود آورده و بیدار می‌کند، به عبارت دیگر عامل هشداردهنده و بیداری آفرین است. ممکن است کودک در لحظه تنبیه عمل مریه را غیرعادلانه و ناروا بداند ولی پس از آن، مخصوصاً بهنگامی که لحظاتی تنها باشد بخود آید و دریابد که عملش مطبوع و مناسب نبوده و هشیار گردد.

این امر بویژه در موقعی رخ خواهد داد که والدین و مربیان در حین تنبیه عمل ناروایش را به رخ او کشیده و تفهیمش کنند که چرا او را تنبیه می‌کنند. و یا عواقب سوء و نامیمون عمل او را گوشزد کرده و به او تفهیم نمایند که در صورت تداوم ارتکاب چه عوارض سوئی متوجه او می‌شود.

### تشدید رفتار

این هم فایده دیگر تنبیه است که می‌تواند عامل تحریک کودک برای انجام رفتاری با شدت و رغبت بیشتری باشد. بعنوان مثال می‌گوئیم:

کودکی در حله معینی وقت‌گذاری کرده و به درس و مشق و مطالعه‌اش می‌پردازد. نمره مطلوب را نمی‌آورد. تذکرات والدین و مربیان د اصلاحش مؤثر واقع نشده و سرانجام تنبیه می‌شود. این تنبیه در حقیقت او را به این اندیشه وامی‌دارد که کار و تلاش او برای دستیابی به چنان مقصد کافی نبوده و باید فعالیت بیشتری را از خود بروز دهد. براین اساس تنبیه برای او نقش محرکی را ایفا کرده که او عمل و کار خود را بیشتر و فعالیت خود را تشدید کند.

### پرهیزها در تنبیه

در تنبیه کودک از تن دادن به امور و جریاناتی باید خودداری کنید. مواردی که ذیلاً ذکر می شود همان هائی هستند که روانشناسان مجرب و مربیان بنام ما را از ارتکاب آن هشدار داده اند و رعایت آنها در امر سازندگی و هدایت نسل شدیداً مؤثر است.

### عقده گشائی ها

این خطاست که شخصی با تنبیه کودکی ناتوان عقده های خود را بیرون بریزد و محرومیت های ناشی از درگیری و نابسامانی روانی و یا زندگی شخصی خود را از این طریق فرو نشاند. برخی از افراد در زندگی روزمره نابسامانی و مشکلاتی دارند، از کار خود ناراضی هستند، توان اینکه با همه مشکلات مقابله کنند در آنها نیست، فرصتی را می طلبند که در آن به عقده تکانی پردازند. و یا دائماً درصدد یافتن مقصری هستند که او را تنبیه کنند. این چنین افرادی در تنبیه کودک خطا کارند. اگر شما ناراحتید فرزند شما تقصیری ندارد.

### منع انتقام

از تنبیه انتقامی باید پرهیز کرد که کاری است توأم با غضب و غضب شعله آتشی است که در مواردی بسیار خرمنها را آتش می زند. تنبیه ناشی از انتقام مری را از هدف دور می سازد. حسابها باید از هم جدا شوند و برای هر حسابی دفتری جداگانه باید گشوده شود. احساس کودک از تنبیه انتقامی و درک او از این امر که مری دارد بحساب دیگری او را مورد آزار قرار می دهد رابطه ها را تیره می سازد و زمینه را برای عدم نفوذ مری در شاگرد فراهم می کند.

### تنبیه مضاعف

از نظر تربیت تنبیه مضاعف نارواست و آن تنبیهی است که خود مرکب از چند تنبیه دیگر باشد. مثل کتک زدن به همراه ناسزا گفتن و توبیخ و ملامت.

اگر کودک را کتک می‌زنید دیگر به او فحش ندهید، اگر او را سرزنش می‌کنید دیگر از غذا و بازی محرومش نسازید که این شیوه‌ای غیرعادلانه و خلاف نظر اسلام است. در اسلام حتی فردی را که محکوم به اعدام است و برای کشتن او را می‌برند حق نداریم فحش بدهیم و یا او را ملامت کنیم.

### خشونت

تنبيه بکنید اما خشونت بخرج ندهید. دست و شلاقتان را زیاد بالا نگیرید بیرحمی خود را در این راه نشان ندهید. همانگونه که گفتیم غرض اساسی در تنبيه نشان دادن شکسته شدن سد حرمت است نه چیز دیگر. و آلا اگر بنا شود با کودک از طریق بدرد آوردن او معامله کنید هرگز در این راه موفق نخواهید شد.

این از عدالت مری بدور است که با استفاده از زور و قدرت خود بجان کودکی بی‌پناه افتد و او را زیر مشتش و لگد خودگیر و یا بدنش را سرخ و سیاه کند. خدا چه شد؟ مگر می‌توان از انتقام خدا در امان ماند.

### طرد و اخراج

برخی از والدین و مربیان بهنگامی که از رفتار کودکی به ستوه آمده‌اند سعی دارند او را از خانه یا کلاس اخراج کنند، در حالیکه این اقدام اثر تربیتی نامطلوبی بر روی کودک دارد بویژه کودکانی که سن و سال زیادی نداشته باشند. شما با این اقدام به احساس بی‌پناهی کودک کمک می‌کنید و یا بر او از نظر درسی لطمه‌ای وارد می‌آورید که قابل جبران نیست. کودک بمحض اخراج از خانه به جستجوی پناه برمی‌آید و ای چه بسا که این امر موجب وارد آمدن صدمه و زیانی روانی بر او باشد. و در اخراج از کلاس حتی این خطر وجود دارد که طفل خود را از شر تنبيه و امر و نهی شما راحت کند و دست خود را از دامان تربیت شما جدا نماید

### تکرار تنبیه

در مواردی ممکن است شما کودکی را تنبیه کرده‌اید و ظاهراً عمل ناروایی از او ترک شده و مجدداً همان عمل را تکرار کرده است. در چنین صورتی ضروری است تنبیه متوقف و تعطیل و علت یا علل آن جستجو شود. معلوم می‌شود که تنبیه شما نتوانسته است ریشه نابسامانی و بدرفتاری کودک را بخشکاند و یا او را از آن امر باز دارد. ممکن است طفلی که تنبیه می‌شود و شما او را تنبیل می‌دانسته‌اید و برای رفع تنبیلی او اقدام به تنبیه می‌کرده‌اید به واقع عقب‌مانده ذهنی بوده باشد.

### تنبیه دسته جمعی

گاهی ممکن است همه کودکان خانه و یا همه دانش‌آموزان کلاس یکباره فریاد و شیوه بدرفتاری از خود بروز داده و یا دعوا و سروصدا به راه انداخته باشند. همچنین ممکن است همه افراد کلاس از دستورات شما تخلف کرده و تکلیف انجام نداده باشند. در چنین صورتی به مصلحت نیست که یکباره همه کودکان را مورد تنبیه قرار دهیم بویژه که در مواردی هم ممکن است عده‌ای بیگناه باشند و یا احتمال مقاومت و تمرد شدید باشد. در آن ساعت تغییر موضع دهید و با شیوه‌هایی بکوشید دل آنان را بدست آورید. بعدها که سکوت و سکون برقرار شد می‌توانید تدریجاً عوامل عصیان و طغیان را شناسائی کرده و به اصلاح آنها بپردازید.

### منع‌های دیگر

چه بسیارند تذکرات و هشدارهایی که در این رابطه قابل ذکرند و ما برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر تفصیلی آنها خودداری می‌کنیم مثل:



- منع از صدمه زدن و با خشم عمل کردن که گاهی نقصی را در کودک پدید می آورد که مادام العمر غیرقابل جبران است .

- منع از تکلیف اضافی و مخصوصاً رونویسی مشق و یا افزودن مسؤولیت که درد بد اخلاقی را دوا نمی کند .

- منع از حبس در جاهای ترسناک که ممکن است زمینه ناامنی و ترس و اختلال روانی گردد .

- منع از تمسخر، تحقیر، اهانت، ناسزاگوئی ها، و ....

### **تربیت ، تنبیه نیست**

به زبان آوردن کلمه « انضباط »، در بسیاری از افراد حالت انقباض ایجاد می کند زیرا برای بسیاری، انضباط یعنی کتک خوردن، در اتاق حبس شدن و مورد ناسزا قرار گرفتن .



به زبان آوردن کلمه « انضباط »، در بسیاری از افراد حالت انقباض ایجاد می کند زیرا برای بسیاری، انضباط یعنی کتک خوردن، در اتاق حبس شدن و مورد ناسزا قرار گرفتن .

متأسفانه اغلب ما انضباط را با تنبیه اشتباه می گیریم؛ با وجود اینکه این کلمات، معانی کاملاً متفاوتی دارند . اگر چه یک روش کامل و معین برای منضبط کردن بچه ها وجود ندارد و فقط آنچه ما می توانیم انجام دهیم این است که خودمان را به رویکرد مثبتی در ارتباط با انضباط

متعهد سازیم؛ رویکردی که دربرگیرنده احترام، انتظارات روشن، محدودیت ها و پیام های منطقی و اختیار باشد .

نکته حائز اهمیت در این ارتباط آن است که ما نباید اعتماد به نفس بچه ها را خدشه دار کنیم بلکه باید با رفتاری جدی توأم با عشق و محبت، انضباط شخصی را پرورش دهیم .

بعضی مواقع موقعیت هایی پیش می آید که آن را پیش بینی نکرده ایم . به طور مثال، با

فرزندمان به خرید می رویم و در راه خرید، دختر یا پسرمان شروع به غرزدن می کنند که ما فلان چیز را می خواهیم و این موضوع باعث می شود که او در تمام طول مسیر، قیل و قال و گریه و زاری کند و شما هم مجبور شوید دست او را بکشید تا یک قدم بردارد ولی اگر قبل از خروج از منزل می توانستید این موقعیت را پیش بینی کنید، این مشکل هرگز پیش نمی آمد .

مثلاً به فرزندتان بگویید که ما الان می خواهیم برای خرید بیرون برویم و من می دانم که ما هر وقت خرید می رویم، تو دوست داری یک خوراکی برایت بخرم ولی امروز از شکلات خبری نیست . در عوض در راه بازگشت، می توانی یک کتاب برای خودت بخری و با این روش می توانیم از وخامت وضعیتی که ممکن است رخ دهد، از قبل بکاهیم و برای این کار کافی است که به آنها بگوییم چه انتظاری از ما می توانند داشته باشند و برای ما مقدور است چه کاری را انجام دهیم و چه کاری را انجام ندهیم .

هر مسأله ای نیاز به دخالت ندارد . بسیاری از موارد را می توان نادیده گرفت، چون بچه ها به محض آنکه شما توجهتان را از روی آن موضوع بردارید، خودبه خود آن را رها می کنند .

فرض کنید فرزندتان وارد می شود و یک مشت شیرینی برمی دارد و شما می گوید: «می

توانی دو تا برداری «و پسران می گوید: «من سه تا می خواهم . «باید تصمیم بگیرید آیا

ارزش دارد برای یک شیرینی انرژی مصرف کنید یا نه . با این راهکار می توانیم ۹۵درصد موارد

جزئی که ناراحتان می کند را نادیده بگیریم. به همین دلیل است که گاهی ارزش دارد رفتاری را که ضرری به شما نمی رساند، نادیده بگیرید و انرژی تان را صرف مسائل مهم تر کنید.

بچه ها همیشه توقع دارند که وقتی سؤالی می کنند، فوراً به آن پاسخی داده شود. در نتیجه ما همیشه خود را تحت فشار قرار می دهیم تا به بچه ها فوراً پاسخ دهیم ولی هنگامی که ما فوری و تحت فشار وارده جوابی می دهیم، اغلب چیزهایی می گوئیم که بعداً پشیمان خواهیم شد. به عنوان مثال چند بار تاکنون به طور خودبه خود به بچه ها «نه» گفته اید و بعد از چند لحظه متوجه شده اید اگر یک لحظه فکر کرده بودید، شاید جواب دیگری می دادید.

پس کمی به خودتان فرصت دهید و کمتر واکنش فوری نشان دهید. در این رابطه لازم است هر روز بهترین انگیزه را در بچه هایمان بیدار سازیم تا آنها بدانند که می توانند از خود، بهترین ها را بسازند. شما همیشه می توانید چیزی برای ستایش بچه هایتان در رابطه با نقاط قوت و استعدادهای آنها بیابید! آفرین! چقدر وقت و انرژی برای تست زبان صرف می کنی!»، «آفرین به تو که خواهرت را هم در بازی شرکت دادی!»، «با چه دقت و نظمی اسباب بازی هایت را سر جایشان گذاشتی! این گونه کیفیت ها را در بچه هایتان تقویت کنید؛ خواهید دید آنها چگونه رشد می کنند و با شما میل به همکاری نشان می دهند.

چند دقیقه فکر کنید و ببینید چه دیدی نسبت به بچه های خود دارید؛ مسئول، تنبل، اهل همکاری یا...؟

بچه های ما نسبت به نگرشی که ما به آنها داریم، بسیار حساس هستند. آیا تاکنون متوجه شده اید مادر و پدرهایی که بچه های خود را مسئول می بینند، ظاهراً بچه های مسئولی هم دارند؟ اگر شما بچه خود را فرد مسئول و مددکاری ببینید-بدون آنکه خودتان آگاه باشید- به او فرصت بیشتری می دهید تا کفایت و شایستگی اش را نشان دهد و حس مسئولیت خود را بالا ببرد. هر

چه شما بیشتر به فرزند خود اعتماد و اطمینان کنید، او بیشتر یاد می گیرد که قابلیت اعتماد کردن را دارد و در نتیجه، بیشتر قابل اعتماد و امین بار می آید.

• آیا تا به حال مثل نواری که گیر کرده باشد، شده اید؟

«این بازار سمساری را جمع کن! می گم این بازار سمساری را جمع کن!» و هیچ وقت هم نتیجه ای عایدتان نمی شود. یک والد معمولی، بچه پنج، شش ساله خود را روزی پنجاه و پنج بار سرزنش می کند و این موضوع، شوخی نیست، بلکه یک آمار واقعی است و هیچ فکر کرده اید این نق زدن ها چقدر انرژی می برد؟ و بدتر از همه، نق زدن هیچ فایده ای هم ندارد.

بچه ها یاد می گیرند که ما را از رو ببرند. آیا تا به حال اتفاق افتاده وقتی فرزندتان مشغول تماشای تلویزیون است با او حرف بزنید؟ آیا از اینکه سرش را بالا نمی کند تا جواب شما را بدهد تعجب نمی کنید؟ یا تا به حال اتفاق افتاده بدون هیچ نتیجه ای خود را مشغول تکرار جمله ای ببینید؟ اینها همه نشانه های گفت و گوی غیر موثر است.

وقتی به بچه هایمان اجازه انتخاب می دهیم، به آنها می آموزیم به گونه ای صریح فکر کنند. ما قدرت و ضمناً انعطاف پذیری خود را در رعایت کردن نیازها و نگرانی هایشان نشان می دهیم. با دادن اجازه انتخاب به بچه ها ما به آنها کمک می کنیم درباره مسئولیت پذیری، چیزهایی بیاموزند و آنها را برای استقلال بیشتر آماده می کنیم ولی باید توجه داشت که انتخاب بچه را باید با دقت، انرژی و بودجه خودتان محدود کنید.

ما باید مطمئن، جدی و با اطمینان صحبت کنیم. وقتی ضعیف النفس هستیم یا چون عرصه را تنگ می بینیم، فریاد می کشیم، برای بچه هایمان مشکل است باور کنند که ما پدر و مادر صمیمی و مهربانی هستیم. هر چه بیشتر و بلندتر فریاد بکشیم، تأثیر خود را بیشتر از دست می دهیم. ما نیاز داریم مطمئن و آرام باشیم و اجازه دهیم نگرش ما این را برساند که از آنها انتظار

داریم به ما گوش دهند زیرا وقتی ما پیامی را به طور مستقیم و قاطعانه ابلاغ می کنیم، شکی در ذهن بچه ها در مورد آنچه از آنها می خواهیم انجام دهند باقی نمی گذاریم؛» همین الان اسباب بازی هایت را جمع کن! وقت آن رسیده که تکالیف شبت را انجام دهی.»

بسیاری از بچه ها در پاسخ به این سوال که چرا به والدین خود گوش نمی دهند، بدون مکث پاسخ می دهند: «چون آنها به آنچه می گویند، پایبند نیستند.» آنها چیزی می گویند و بعد، یا فراموش می کنند یا مرا و ادا به انجام آن کار نمی کنند؛ بنابراین چه دلیلی دارد که آنها را جدی بگیرم؟»

وقتی می خواهید رفتار فرزندان خود را تغییر دهید، باید آن را جزو اولویت ها قرار دهید. وقتی به دخترتان می گوید اگر به ناله و زاری ادامه دهد، رستوران را ترک می کنید، نمی توانید معطل شوید غذایان تمام شود و بعد به قول تان عمل کنید بلکه باید همان موقع رستوران را ترک کنید.

در گرماگرم دعوا، وقت آموختن به بچه ها نیست. اگر بچه شما لیوانی را شکست، الان وقت پند و اندرز نیست. در آن لحظه او حال بدی دارد و اگر شما سرش فریاد بکشید، فقط، احساس تحقیر بیشتری می کند. او در آن لحظه نمی تواند چیزی بیاموزد، چون صرفاً مشغول دفاع از خود است. با بچه هنگام خواب یا زمانی که زمان کافی از قضیه گذشته و او از احساساتی بودن درآمده، صحبت کنید. در آن هنگام، هر دو شما دید بهتری نسبت به قضیه پیدا کرده اید و بچه در وضعیت بهتری برای تلقین پذیری قرار دارد.